

اگر خداوند متعال همه‌چیز را می‌داند...

پس چرا از اعضای بدن ما شهادت می‌گیرد؟



no-atheism.net
no_atheism
islamway1434
asteira



تهیه شده در مجموعه رد شبهات ملحدین

شبهه :

اگر خداوند متعال همه چیز را میداند پس چرا از اعضای بدن ما شهادت میگیرد؟

خداوند متعال در مورد شهادت اعضای بدن انسان چنین میفرماید:

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

در آن روزی که علیه آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهائی که کرده‌اند گواهی می‌دهند (۱)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهانهایشان مهر می‌نهیم و درباره آنچه می‌کردند دستانشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان (بر آن) گواهی می‌دهند.(۲)

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۰﴾

تا چون (همگی) به آن (آتش دوزخ) برسند، گوشهایشان و چشم هایشان و پوستهایشان به آنچه مي كردند بر عليه آنها گواهي مي دهند(۳)

ملحدین در شبهه ای پوچ و بی اساس و با نهایت بی اطلاعی از قرآن کریم ، شریعت اسلامی و نیز مسائل حقوقی مطرح میکنند:

اگر اللّه متعالِ شما همه چیز را میداند و عالم به احوال بندگان خویش است پس چه نیازی دارد تا در روز قیامت از اعضای بدن انسان بر علیه فرد خاطی و گناهکار شهادت بگیرد؟!

در نتیجه اللّهِ شما بدلیل اینکه توان ثابت کردن گناه شخص گناهکار را ندارد! و مهمتر از این، چون خود آگاه به مسائل نبوده؛ بنابراین مجبور به اعتراف گیری از اعضای بدن آنها می شود.

پاسخ: این شبهه پیش فرض نادرستی دارد وطرح آن توسط ملحدین نشان از ضعف وناتوانی آنان در موضوع شناخت اللّه متعال و قدرت و توانایی های او دارد.

پیش فرض نادرست به ما می گوید:

۱- اللّه متعال به همه چیز آگاه است

۲- ولکن برای آگاهی از احوال بندگان خویش از اعضای بدن آنان در روز قیامت شهادت میگیرد!

اما آیا چنین است؟ خیر.

شبهه پردازان به یقین و طبق معمول نه تنها هیچ آشنایی با اسلام و آیات قرآن نداشته بلکه از قوانین حقوقی نیز چیزی نمیدانند و اهدافشان از طرح این شبهات فقط و فقط گمراه نمودن عوام افراد جامعه می باشد؛ آن هم با نهایت بکار گیری تدلیس و تلبیس!

با یک مثال ساده شروع می کنیم:

معمولاً در دادگاه‌های دنیوی برای صدور حکم نهایی از سوی قاضی محکمه، به شهادت دادن شاهدان و مدارک ارائه شده از سوی آنان نیاز است.

از این رو شهادت، از زمرۀ دلائل اثبات دعوا می باشد.

شاهدان عینی به سود یا زیان شخص مجرم یا گناهکار گواهی می دهند و درنتیجهِ آن، پس از طی مراحلی ، حکم دادگاه صادر می شود و چه بسا که در برخی موارد به دلیل کافی نبودن شواهد و نیز گاهی به علت اتهام های واهی و دروغین از سوی شاهدان و همچنین بی احتیاطی قاضی دادگاه رای صادر شده کاملا بر علیه شخص بی گناه باشد وبالعکس.

ولکن تفاوت های زیادی ما بین دادگاه و چگونگی ودلیل شهادت دادن شاهدین در این دنیا و روز رستاخیز وجود دارد.

خداوند متعال در مورد اجرای قوانین روز قیامت چنین میفرماید:

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد ، و ابدا به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیك یا بدي انجام گرفته) باشد ، آن را حاضر و آماده می سازیم (و سزا و جزای آن را می دهیم) و این کافی خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم (٤)

ملحدین حتی از وجود شاهدان دیگر که مهمترین آن ها خودِ الله متعال است اطلاعی ندارند و نمیدانند خداوند متعال خود برای حسابرسی کافی و وافیست و دارای علم غیب می باشد و نیازی به چنین شاهدینی هم ندارد.

بنابراین همانطوری که گفته شد بر خلاف افکار ملحدین؛ بجز خودِ حق تعالی و اعضای بدن، شواهد دیگری وجود دارند که بر علیه انسان به پا می خیزند.

الله متعال می فرماید: **وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ: روزی که شاهدان در روز قیامت به پا می خیزند (٥)**

حضور این شاهدین در روز قیامت از مولفه هایی می باشد که باعث افزایش احساس مسئولیت ما بخاطر وجود ناظران وشاهدان متعدد می شود و این نشان از حکیمانه بودن افعال الله سبحانه وتعالی دارد و طبق همین حکمت و برنامه خداوند مقتدر در سرای آخرت شاهدانی از خود نفس شخص و نوع مخلوقات دیگر بر ما گواهی می دهند و متوجه می شویم که نظارت بر ما از هر سو و جهتی صورت پذیرفته است.

در اینجا ابتدا شاهدان روز رستاخیز را مورد بررسی قرار میدهیم و سپس به چگونگی و نیز چرایی شهادت دادن آنان و نیز اعضای بدن میپردازیم.

در روز قیامت شاهدان و گواهان به دو دسته تقسیم میگردند:

گروه اول: شاهدان و گواهان عینی

گروه دوم: شاهدان و گواهان داخلی

گروه شاهدان و گواهان عینی:

۱- الله سبحانه و تعالی مهمترین و بزرگترین گواه.

خداوند متعال خود اولین شاهد و بزرگترین گواه و ناظر بر اعمال و کردار انسان هاست که هیچ حالی از احوال بندگانش بر وی پنهان نیست.

اللّه متعال در جای جای قرآن کریم می فرماید:

وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ

هيچ كاري نمي‌كنيد ، مگر اين كه ما ناظر بر شما هستيم ، در همان حال كه شما بدان دست مى يازيد و سرگرم انجام آن مى‌باشيد(٦)

وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ :

و خدا گواه است بر آنچه مي‌كنيد (٧)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

همان کسی که فرمانروایی آسمانها وزمین از آن اوست وخداوند وبر همه چیز گواه است (٨)

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
خداوند در روز رستاخيز ميان آنان داوري مي‌كند، خدا بر همه چيز شاهد و گواه است (٩)

فَإِلَيْنا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلى ما يَفْعَلُونَ
به سوی ما است بازگشت آنان، آنگاه خدا بر آنچه انجام می دهند، شهید و گواه می باشد (١٠)

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

(و بدانيد كه) بيگمان خدا بر هر چيزى حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و كردار شما) بوده است (و مى‌باشد) (١١)

٢- پیامبران الهی علیهم الصلاه والسلام

گروه دیگری که در روز قیامت به عنوان شاهد حاضر خواهند شد انبیای الهی علیهم الصلاه والسلام می باشند که به رساندن تمام وکمال محتوی رسالت خود به دست مردم و نیز تکذیب ابلاغیه های آنان توسط ناباوران و مشرکین شهادت خواهند داد.

اللّه متعال در این باره در آیات مختلف کتاب گران قدرش میفرماید:

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

روزى (كه قيامت فرا مى رسد) از هر ملّتى گواهى را (كه در دنيا پيغمبرشان بوده است) برمى انگيزيم (تا علاوه بر آگاهى خدا از احوال ايشان ، و شهادت همه اندامشان) بر آنان شهادت دهد و موجب شرمسارى و رسوائى بيشترشان گردد. (١٢)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ

روزى در ميان هر ملّتى گواهي از خودشان بر آنان مى‌گماريم (كه در دنيا پيامبر ايشان بوده است) ، و تو را (اى محمّد) بر اينان (كه هم اينك در جهان هستند و يا اين كه بعدها بوجود مى آيند) گواه مى‌گيريم. (١٣)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا

ای محمّد (حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملّتی گواهی (از پیغمبران براي شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود از جمله) اینان (یعنی تنگ چشمان و نافرمایان) بیاوریم ؟ (١٤)

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(در آن روز، ما) از هر امّتی گواهی (از میانشان برگزیده و) بیرون می‌کشیم و (به پیش خود احضار می‌کنیم، و خطاب به مشرکان) می‌گوئیم: دلیل خود را (بر شرک و کفر دنیوی) بیاورید. پس آنان خواهند دانست که حق با خدا است، و چیزهائی که به هم می‌بافتند (و انباز و بت و دست‌اندرکار جهان می‌نامیدند، از دستشان به در رفته است و) از ایشان گم و ناپدید گشته است (١٥)

٣- گواهی دادن افرادی از امت اسلامی:

افرادی از امت اسلامی نیز در روز قیامت در راستای اثبات ابلاغیه های پیامبران به سوی مردم و نیز ظلم و ستم هایی که ایشان در قبال دعوت به ناباوران و مشرکین متحمل شده اند پا به عرصه میدان گذاشته و برای شهادت دادن حضور می یابند.

از حضرت ابو سعید الخدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

روز قیامت الله متعال سیدنا نوح علیه الصلاه والسلام را فرا میخواند و به وی میگوید: آیا رسالتت را به قوم خویش ابلاغ کردی؟ سیدنا نوح جواب میدهد بله پروردگارا ! سپس الله تعالی رو به قوم سیدنا نوح علیه السلام کرده و میفرماید: ای قوم نوح؟ آیا به شما رسالت ابلاغ شد؟ در جواب میگویند: هیچ هشدار دهنده ای به سوی ما نیامد!! و در نهایت الله متعال رو به سیدنا نوح کرده و میفرماید: آیا شاهدی بر ابلاغ رسالت خویش داری؟ در جواب میگوید بله محمد صلی الله علیه وسلم و امتش. در نتیجه شهادت میدهند که سیدنا نوح علیه السلام ابلاغ رسالت کرده است. (١۶)

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم آیه وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ قرائت کردند: که الله ذوالجلال میفرماید:

و بی‌گمان شما را ملّت میانه‌روی کرده‌ایم تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته‌ای از شما راه او گیرد، و یا گروهی از شما از جاده‌ی سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجّت و گواه باشد) (١٧)

٤- فرشتگان الهی

از دیگر شواهد حاضر در روز رستاخیر ملائکهِ کرام می باشند؛ فرشتگانی که هر لحظه مراقب اعمال انسان هستند و تمامی اعمال انسان اعم از خیر و شر را ثبت و ضبط میکنند تا در روز قیامت مجال و فرصت برای انکار اعمالمان نداشته باشیم.

الله متعال در این مورد میفرماید:

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

بدون شکّ نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند فرشتگانی که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسانها هستند

نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرّب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند

هرکاری را که می‌کنید میدانند (۱۸)

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر اینکه فرشته‌ای مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش)آن سخن است (۱۹)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

در آن روز هر انسانی (اعم از نیکوکار و بدکار، به میدان محشر) می‌آید همراه با راهنمائی (که او را رهبری و رهنمود می‌کند) و همراه با گواهی (فرشته ای) که بر پندار و گفتار و کردار او شهادت می‌دهد. (۲۰)

۵- شهادت دادن زمین

و اما زمین هم در روز رستاخیز برای اثبات عملکرد های ناپسندی که بر روی آن انجام شده است ندای شهادت را خواهد داد

الله تعالی در مورد بازگو کردن حقایق توسط زمین میفرماید:

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند و اتفاقاتي که بر روي آن انجام شده است را اعتراف میکند و نیز اعمال و افعالی را گواهی میدهد که مردمان بر روی آن انجام داده‌اند چرا که همه چیز در جهان ثبت و ضبط شده است. (۲۱)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله علیه الصلاه والسلام هنگامی که آیه : يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا تلاوت کردند فرمودند: آیا میدانید این اخبار کدامین اخبار هستند؟ اصحاب رضی الله عنهم فرمودند الله تعالی و پیامبرش صلی الله علیه وسلم داناتر هستند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: این اخباری است در مورد شهادت دادن زمین بر علیه تمامی اعمال و افعال بندگانی که بر روی آن مرتکب شده اند (۲۲)

گروه : شاهدان و گواهان داخلی (شهادت اعضای داخلی بدن)

۱- شهادت دست ها و پاها

۲-پوست بدن انسان گناهکار

بعد از بررسی گواهان و شاهدان عینی، حال به نحوه شهادت اعضای داخلی بدن انسان میپردازیم تا بدانیم چرا الله متعال با آن همه شواهد و مدارک این بار از خود اعضای بدن انسان اعتراف میگیرد.

الله متعال میفرماید:

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۵۹﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۶۰﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿۶۲﴾و هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۶۳﴾اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۶۴﴾

« و (فرمان می‌دهیم) ای گناهکاران! امروز (از مؤمنان) جدا شوید(۵۹) ای فرزندان آدم! مگر به شما فرمان ندادم که شیطان را پرستش نکنید چراکه او دشمنی آشکار برای شما است؟!(۶۰) و اینکه مرا پرستش کنید این راه راست است(۶۱) وهماناشیطان گروه‌های زیادی ازشما را گمراه کرده است پس آیا خرد نمی‌ورزید (۶۲) این جهنّمی است که به شما وعده داده می‌شد(۶۳) امروز به (سزای) کفری که می‌ورزیدید وارد آن شوید(۶۴)» (۲۳).

وقتی خداوند پاداش پرهیزگاران را بیان کرد سزای گناهکاران را نیز ذکر کرد و فرمود: ﴿وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ﴾در روز قیامت به گناهکاران گفته می‌شود: از مؤمنان جدا شوید، تا آنها را سرزنش کند و در حضور همه‌ی خلائق و قبل از آنکه آنها را وارد جهنّم سازد توبیخشان نماید ﴿أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَ﴾مگر به شما فرمان ندادم و بر زبان پیامبران شما را توصیه نکردم که ای فرزندان آدم! از شیطان اطاعت مکنید؟ و در این توبیخ، توبیخ به خاطر انواع کفر و گناهان نهفته است، چون همه‌ی انواع کفر و گناهان اطاعت از شیطان و عبادت او محسوب می‌شود. ﴿إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ﴾چرا که او دشمن آشکار شماست. پس شما را از پرستش شیطان به شدّت برحذر داشتم و شما را از اطاعت او ترساندم، و خبر دادم که او شما را به چه چیزی فرا می‌خواند. ﴿وَأَنِ ٱعۡبُدُونِي﴾و شما را فرمان دادم که با اطاعت از دستورات من و ترک آنچه از آن نهی کرده‌ام مرا بپرستید. ﴿هَٰذَا﴾عبادت و پرستش و اطاعت از من و سرپیچی از شیطان ﴿صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾همان صراط مستقیم است پس دانش‌های مربوط به راه راست و اعمال آن در این دو چیز - یعنی اطاعت از خدا و پیروی نکردن از شیطان - خلاصه می‌گردد.

ولی شما به عهد من پایبند نماندید و به سفارش و توصیه‌ی من عمل نکردید بلکه دشمن را که شیطان است به دوستی گرفتید، شیطانی که ﴿أَضَلَّ مِنكُمۡ جِبِلّٗا كَثِيرًا﴾گروه‌های زیادی را از شما گمراه ساخت، ﴿أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ﴾آیا عقل نداشتید که شما را فرمان دهد تا پروردگارتان و کارساز حقیقی تان را به دوستی بگیرید و شما را از دوستی کردن با سرسخت ترین دشمنانتان باز دارد؟ اگر عقل و خرد درستی داشتید چنین نمی‌کردید.

پس هرگاه از شیطان پیروی کردید و با خداوند مهربان دشمنی ورزیدید و دیدار الهی را تکذیب کردید و آمدن قیامت که سرای سزا و جزاست را رد نمودید و نپذیرفتید، و سخن عذاب بر شما محقق گشت، ﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ﴾این همان جهنّمی است که به شما وعده داده می‌شد و آن را تکذیب می‌کردید. پس اینکه آن را با چشم خود آشکارا مشاهده کنید، جهنّمی که دل‌ها از دیدن آن مضطرب گشته و چشم‌ها از هول و وحشت، از حدقه بیرون می‌آیند

سپس جریان آنان را اینگونه به پایان می‌رساند که دستور می‌دهد تا وارد جهنّم شوند و به آنها گفته می‌شود: ﴿ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ﴾وارد جهنّم شوید و در آن بسوزید، به صورتی که گرما و سوزش آن از هر سو شما را احاطه نموده و به همه جانتان سرایت می‌کند. و این بدان سبب است که شما به آیات خدا کفر می‌ورزیدید و پیامبران خدا را تکذیب می‌کردید

اما کافران و گناهکاران برای اینکه خود را از این مهلکه نجات دهند در جواب الله متعال به شهادت دروغ متوسل شده و میگویند:

وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

به خداوندی که پروردگار ما است سوگند که ما مشرک نبوده‌ایم! (و هرگز جز تو را نپرستیده‌ایم!) (۲۴)

در حدیث شریف به روایت انس‌بن‌مالك رضی الله عنه آمده است كه‌رسول‌خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «بنده در روز قیامت مي‌گوید: پروردگارا! علیه خود شاهدی جز نفس خود را اجازه نمي‌دهم (نمي‌پذیرم)!

بنابراین خداوند جلّ جلاله هم به او مي‌گوید: پس امروز خودت به حسابرسی خویش بسنده هستی

(اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ / اسرا) وكافیست كه كرام الكاتبین گواهان تو باشند (٢٥).

در این هنگام خداوند در بیان حالت زشت و اسفبار آنها در سرای بدبختی و شقاوت می‌گوید:

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهانهایشان مهر می‌نهیم.(یعنی آنها را گنگ و لال می‌کنیم، پس آنان سخن نمی‌گویند و نمی‌توانند کارهایی را که کرده‌اند از قبیل کفر و تکذیب انکار کنند).

﴿وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

و دستانشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان گواهی می‌دهند(یعنی اعضای بدنشان در رابطه با کارهایی که انجام داده‌اند علیه آنها گواهی می‌دهند. و اعضای آنها را خداوند به سخن می‌آورد، خداوندی که هر چیزی را به سخن می‌آورد).

در این هنگام کافران و ناباوران خطاب به اعضا و پوست بدنشان میگویند:

... لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

چرا بر ضدّ ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند: خداوندی ما را به گفتار درآورده است که همه چیز را گویا نموده است، و همان خداوند در آغاز شما را (از عدم) آفریده است و (در پایان زندگی و بعد از ممات، دوباره جامه‌ی حیات به تنتان کرده و برای حساب و کتاب) به سوی او برگردانده شده‌اید. یعنی امروز همه موجودات عالم سخن می‌گویند و اسرار را بازگو می‌کنند. چرا که پرده‌ها از رازها به کنار رفته است (٢٦)

نکته قابل توجه آنکه ممکن است شبهه ای مطرح شود و آن اینکه چگونه بر زبان هایشان مهر نهاده می شود اما اعتراض به اعضای بدن توسط ناباوران صورت می گیرد؟!

(باید بگوییم یکی از دلایلی که در مقام جمع بین این آیات وجود دارد این است که آنچه در آیه ی مورد بحث از سوره ی "یس" نفی شده است(تکلم عادی) تکلّم به گونه ی عادی است که زبان در دنیا عادت به آن کرده و احیاناً با دروغ و تکذیب حقایق و انکار واقعیّات، توأم می باشد و آنچه در سوره ی مبارکه ی نور و فصلت اثبات می گردد، تکلّم به گونه ی ارائه ی آثار مضبوط و مکنون از گفتارها و سخنان جاری بر زبان است از سنخ تکلّم دست و پای انسان که شهادت به عامل صادر شده از خود می دهند و لذا در سوره "نور" و فصلت هم از کار زبان در ردیف (ایدی) و (ارجل) تعبیر به شهادت شده است).

جمع بندی:

۱- همانطوری که در ابتدا هم گفته شد : یکی از مهمترین دلایل اثبات عملکرد افراد خاطی و گناهکار «شهادت شهود» یا «گواهی گواهان» است.

۲- خداوند متعال هیچ نیازی به گرفتن شهادت از اعضای بدن افراد گناهکار برای اثبات گناهان ایشان ندارد و خود برای حسابرسی کافیست.

۳- با اینکه برای انسان ها در دنیا اتمام حجت شده و مرحله تبلیغ واحتجاج در روند هدایت و بیان تکلیف الهی پایان پذیرفته،در روز قیامت افراد گناهکار برای رهایی از مهلکه عذاب به انواع و اقسام دروغ ها متوسل شده و شرک،کفر ،ظلم و جنایات های خودشان را انکار می نمایند و هنگامی که شواهدی برای عملکرد آنان در دنیا آورده می شود باز هم منکر شده و هیچ شاهدی جز خودشان را قبول نمی کنند.

۳- هنگامی که گناهکاران نفس خود را بعنوان تنها شاهد برای افعال و اعمال خود گرفتند، در این حین خداوند متعال میفرماید: امروز خودتان حسابگر اعمال و افعال خودتان خواهید بود (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ / اسرا) و در نتیجه، اعضای بدن افراد خاطی آنچه را که دیده، شنیده و انجام داده اند را اعتراف می نمایند و با این حال باز هم لب به سخن گشوده و با لحنی تحقیر آمیز به اندام های بدن خویش میگویند؟ ... لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

(دیگر شما) چرا بر علیه ما شهادت میدهید؟؟! و لکن پاسخی که از اعضای بدن خود میشوند این است: خداوندی ما را به گفتار درآورده است که همه چیز را گویا نموده است، و اوست که در آغاز شما را (از عدم) آفریده و (در پایان زندگی و بعد از ممات، دوباره جامه‌ی حیات به تنتان کرده و برای حساب و کتاب) به سوی او برگردانده می شوید.

۴- در نتیجه هیچ عذری باقی نمی ماند و الله دوالجلال کوچکترین ظلم و ستمی به بندگان خویش روا نمی دارد همانطوری که میفرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

هر کس که کار نیک بکند به نفع خود می‌کند، و هر کس که کار بد بکند به زیان خود می‌کند، و پروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی‌کند (۲۷).

﴿ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴾

نویسنده: کیهان نامدار

۷ خرداد ۱۳۹۹ هجری شمسی

رد شبهات ملحدین

پی نوشت ها :

[1] نور/ ٢٤

[2] یس/ ٦٥

[3] فصلت / ٢٠

[4] الانبیا / ۴۷

[5] غافر / ۵۱

[6] یونس / ٦١

[7] آل عمران / ۹۸

[8] البروج / ۹

[9] الحج / ۱۷

[10] یونس / ٤٦

[11] النساء / ۳۳

[12] النحل / ٨٤

[13] همان / ۸۹

[14] النساء / ۴۱

[15] القصص / ۷۵

[16] کتاب صحیح بخاری - مولف : محمد بن اسماعیل البخاری / صفحه ۱۸۱۳ - حدیث شماره ۷۳۴۹ - ناشر: داراین کثیر دمشق- بیروت

[17] البقره / ۱۴۳

[18] الانفطار ۱۲/۱۱/۱۰

[19] ق / ۱۸

[20] همان / ۲۱

[21] الزلزله / ۴

[22] تفسیر الجامع للاحکام القرآن – امام القرطبی /سنن امام ترمذی حدیث شماره ۳۳۵۳ ، السنن الکبری امام نسائی حدیث شماره (١١٦٩٣) و مسند امام أحمد حدیث شماره (٨٨٦٧).

[23] یس / ۵۹-٦٤

[24] الانعام / ۲۳

[25] صحیح مسلم بخش کتاب الزهد و الرقائق - شماره ۱۷ صفحه ۹۴۲ ح ۲۹۶۹ (تحقيق: رائد صبری ابن أبي علفة)

ناشر: دارالحضاره ۱۴۳۶ هجری چاپ دوم / امام آلبانی - صحیح الجامع الصغیر والزیادته (الفتح الکبیر) - ناشر: المکتب الاسلامی جلد اول حدیث شماره ۸۱۳۴

[26] فصلت / ۲۱

[27] همان / ۴۶

پایان